

اسامی ماه‌ها در کشورهای عربی و شیوه یکسان سازی آنها 1

دکتر شجاده خوری
حسین علینقیان 2

نوشتار حاضر به بررسی کاربرد اسامی ماه‌های متداول در کشورهای عربی می‌پردازد. ماه‌های عربی مرتبط با تقویم هجری قمری (محرم، صفر...)، ماه‌های معرب از زبان سریانی و مرتبط با تقویم میلادی شمسی (کانون الثانی، شباط...) و ماه‌های ترجمه شده از زبان انگلیسی و فرانسه و مرتبط با تقویم میلادی شمسی (ینایر، فبرایر...) هر یک به طور جداگانه و مفصل مورد بررسی معنایی و تاریخی قرار گرفته و تداول آنها در کشورهای مختلف عربی و اسلامی به طور مجزا بیان شده است. در آخر نیز راهکاری برای یکسان‌سازی کاربرد این اسامی به دست داده شده است.

واژه‌های کلیدی: تقویم، ماه، ماه‌های عربی، ماه‌های معرب، تقویم هجری قمری، تقویم میلادی شمسی.

در کشورهای عربی امروزه، سه دسته از اسامی ماه‌ها به کار می‌روند: دسته اول شامل اسامی ماه‌های عربی مرتبط با تقویم هجری قمری است؛ (محرم، صفر... الخ)؛ دسته دوم شامل اسامی ماه‌های معرب از زبان سریانی و مرتبط با تقویم میلادی شمسی است (کانون الثانی، شباط... الخ)؛ و دسته سوم شامل اسامی ماه‌های دخیل و ترجمه شده از زبان انگلیسی یا فرانسه است که در اصل از لاتین بوده و در ارتباط با تقویم میلادی شمسی است (ینایر، فبرایر... الخ).

در اصالت عربی مجموعه اول و ضرورت به کارگیری مستمر آنها اختلاف نظری نیست، ولی در مورد دو مجموعه دیگر باید گفت، گزینش یکی از آن و ترجیح آن بر دیگری و تلاش در جهت عمومی سازی کاربرد آن در تمامی کشورهای عربی بایسته امعان نظر خواهد بود. دلیل این امر دوری جستن از دوگانگی و تلاش در یکسان‌سازی تمامی امور زبانی و فرهنگی ملل عربی است.

در حال حاضر در کشورهای عربی به ویژه در ربع قرن گذشته تلاش‌هایی در راستای یکسان‌سازی اصطلاحات علمی و ادبی از طرف آکادمی‌های زبان عربی، دانشگاه‌ها، مؤسسات و محافل ادبی و متفکران و اندیشمندان صورت گرفته و هم‌اکنون نیز تداوم دارد. برای نیل به این هدف، مؤسسه ویژه عربی‌ای به نام «مؤسسه هماهنگی تعریب رباط» زیر نظر سازمان تربیت، فرهنگ و علوم اتحادیه کشورهای عربی تأسیس گردیده است. لذا یکسان‌سازی اسامی ماه‌ها در کشورهای عربی اولی و شایسته‌تر خواهد بود. اسامی‌ای که از دوازده واژه تجاوز نمی‌کند به ویژه اینکه این اسامی صرفاً در محافل علمی و تخصصی تداول نداشته بلکه تمامی مردم در جای‌جای سرزمین‌های عربی آنها را به کار می‌برند و بر زبان همگان در تمام زمان‌ها و موقعیت‌ها جاری است.

برای شناخت کامل از این اسامی و معانی آنها، میزان به کارگیری آنها در کشورهای عربی، برطرف سازی ابهامات، روشن‌گری جوانب موضوع و در آخر، داوری و انتخاب، نگاهی به این مجموعه‌های سه‌گانه با عنایت به منابع متعدد قدیم و جدید می‌اندازیم.

مجموعه اول: اسامی ماه‌های عربی

الف) عرب‌ها در زمان جاهلیت، دوازده ماه قمری را شناخته‌اند. اسامی این ماه‌ها بدین قرارند: موتمر، ناچر، خوان، صوان، زباء، باند، اصم، واغل، ناطل، عادل، رنه، برك.3 یکی از شاعران این ماه‌ها را به نظم در آورده است:

بمؤتمر و ناجرة بدأنا
وبالخوان يتبعه الصوان
وبالزباء بأئده تليه
يعود اصم صم به الشنان
و واغله و ناطله جميعا
و عادلة فهم غرر حسان
و رنة بعدها برّك فتمت
شهور الحلول يعقدها البنان

شاعری دیگر یعنی اسماعیل بن عباد آنها را این گونه به نظم آورده:
اردت شهور العرب فی الجاهلیه
فخذها علی سردالمحرم تشترك
فمؤتمر یاتی و من بعد ناجر
و خوان مع صوان یجمع فی شرك
حنین وزبا و الاصم و عادل
و نافع مع و غل ورنه مع برّك

ملاحظه می‌شود که ترتیب این اسامی در يك روایت با روایت دیگر متفاوت است. اسامی یاد شده به قوم عاد منسوب است. اما به ثمود، اسامی دیگری منسوب شده است؛ شامل موجب (محرم) مورج، مورد، ملزم، م صدر، هو بر، هو بل، مو هاء، دیمر، دا بر، حیقل، م سبل، بیرونی به این اسامی اشاره کرده است. 4 نیز شناخت معانی آنها کار آسانی خواهد بود. 5 و اینک معانی ماه‌های عاد با استناد به آنچه بیرونی در کتابش (الآثار الباقیه...) آورده، ارائه می‌شود. 6

ردیف	اسم ماه	معنی
1	مؤتمر	توطئه‌گر
2	ناجر	اسم مشتق، بر وزن فاعل از ماده نجر؛ یعنی شدت گرما
3	خوان	خیانتگر، بر وزن فاعل، اشاره به تمام شدن غذای ذخیره
4	صوان	محافظ، بر وزن فاعل، صوان همچنین محافظه نگهداری لباس و اشیاء است.
5	زباء	صفتی است برای بلای سخت و بزرگ و آن ماه به جهت کثرت کشتار در آن به این نام خوانده شده است.
6	بائد	نابود ساز، بر وزن فاعل، به جهت کشتاری که در آن مردم از بین می‌روند و برای انتقام جوئی به غارت می‌پردازند.
7	اصم	صفت مشبّهه از صم، یعنی ناشنوا، چه در ماه اصم از درگیری دست می‌کشند و صدای سلاح به گوش نمی‌رسد.
8	واغل	از وغل بر وزن فاعل، یعنی کسی که بدون دعوت قبلی بر سفره غذا یا شراب می‌نشیند
9	ناطل	وسیله اندازه‌گیری شراب؛ وجه تسمیه آن کثرت شراب خوری مردم در آن ماه و استفاده از آن وسیله.
10	عادل	از عدل بر وزن فاعل، وجه تسمیه آن این است که این ماه در جاهلیت از ماه‌های حج بوده است.
11	رنه	صوت / صدا. زیرا چهار پایان در آن ماه به صدا در می‌آیند...
12	برّك	وجه تسمیه آن به زانو در آوردن شتر به هنگام ذبح‌اش است.

خالی از فایده نخواهد بود اسامی روزهایی که در جاهلیت متداول بوده مورد اشاره قرار گیرد. 7

آنها یکشنبه را (اول) نامیدند زیرا آغاز ایام است. دو شنبه را (اهون) از هون و هوینی و یا (اهود) از هده نامیدند، به جهت کاهش تعداد آن از روز یکشنبه و سه شنبه را (جبار)، زیرا عدد بوسیله آن ترمیم می‌شود، چهارشنبه را (دبار)؛ زیرا پس از سه شنبه می‌آید؛ پنج شنبه را (مونس)؛ زیرا بدلیل برکتش ایجاد الفت می‌شود و جمعه را (عروبه) یعنی روز آشکار، این روز در جاهلیت مورد تعظیم بود و دین اسلام بر این تعظیم افزود و شنبه را (شیار) نامیدند به معنی علامت و نشانه. این اسامی بین جرهم اول و عرب عار به 8 از بنی قحطان قدیم رایج بوده است. شاعری از آنها گفته:

اومل ان اعیش و ان یومی
 باول او باهون او جبار
 اوالتالی دبارفان افته
 قمونس او عروبه او شیار

اما عرب مستعربه در اسلام اسامی دیگری در مورد روزها به کار می‌برده و می‌بردند: احد، اثنین، ثلاثاء، اربعاء، خمیس، جمعه 9، سبت.

ب) عرب از زمان جاهلیت در حدود سال 412 میلادی اسامی ماه‌های یاد شده قبلی را به کنار گذاشت و نام‌هایی که تا به امروز متداول بوده را به کار بست. اسلام نیز این اسامی را ثبات و دوام بیشتری داد. در قرآن کریم آمده است: ﴿لَنْ نَعْدَ الشُّهُورَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِی كِتَابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ...﴾. [توبه / 38] و این است نام‌ها و معانی این ماه‌ها:

ترتیب	اسم ماه	تعداد روزها	معنی
1	محرم	30 روز	اولین ماه سال هجری قمری و ماهی حرام است نیز به جهت حرمت آن بدین اسم نامگذاری شده است و با جنگ حرمتش شکسته نمی‌شود و مردم در آن ماه به عبادت و تجارت و کار مشغولند. ماه‌های حرام چهارتاست: ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب. محرم ماهی محترم است. نام قدیم آن موتمربوده و به آن صفر الاول نیز گفته‌اند.
2	صفر	29 روز	منقول است که صفر را به جهت وپائی که مردم در آن گرفتارش شده و رنگ آنها زرد شد به این نام نامیده‌اند. یا اینکه آنها با قبيله در آن ماه به جنگ بودند و آن قبيله را خالی از متاع کردند. مردم این ماه را شوم دانسته‌اند زیرا جنگ‌هایی که در ماه‌های حرام متوقف شده در ماه صفر شروع می‌شود و خرابی و ویرانی در پی دارد.
3 4	ربیع الاول و ربیع الثانی (الآخر)	30 روز یا 29 روز	این دو را ربیع نامیده به جهت وجود گلها، روشناییها، بارش پی در پی بارانها و طراوت در پائیزی که آن را ربیع نامیده‌اند. زیرا اولین باران در آن ماه می‌بارد.
5 6	جمادی الاولی و جمادی الثانی (الآخر)	30 یا 29 روز	وجه تسمیه آن دو به دلیل یخ زدن آب در این دو ماه (زمستان) و تأثیر یخ بندان و شدت سرماست. این دو ماه در فاصله نیمه کانون الاول و نیمه شباط قرار دارند.
7	رجب	30 روز	وجه تسمیه آن عادت عرب به حرکت در آن ماه است ولی نه به جهت جنگ. گفته‌اند: (ارجبوا) یعنی از جنگ و ویرانی و کشتار دست بکشید. گاهی فعل رجب به معنی عظم می‌آید زیرا عرب‌ها به جهت عدم جنگ در آن ماه، آن را محترم می‌شمردند. گاهی به مضر منسوب می‌شود و می‌گویند: رجب مضر. زیرا قبيله مضر فقط آن را محترم شمرده‌اند اگر

			شعبان به آن اضافه شود می‌گویند: رجبان. رجب از ماه‌های حرام است
8	شعبان	29 روز	وجه تسمیه آن، پراکنده شدن قبایل در آن ماه است. یعنی آنها برای طلب آب و غذا متفرق می‌شوند و یا پراکندگی آنها برای جنگ‌هایی است که پس از رجب آغاز می‌کردند. عرب‌ها در برخی از روزهای آن روزه می‌گرفتند و آنرا به ماه شریف وصف می‌کردند.
9	رمضان	30 یا 29 روز	بدین اسم نامبرده شده زیرا گرما در آن ماه شروع می‌شود و زمین با سنگها و سنگریزه‌هایش از شدت گرمای خورشید داغ و سوزان می‌شود. اهل جاهلیت این ماه را مورد احترام قرار می‌دادند. در این ماه قرآن کریم نازل گردیده و نیز جنگ بدر و عین جالوت در این ماه رخ داده است. به آن ماه قرآن و ماه روزه و ماه صبر اطلاق شده و تنها ماهی است که در قرآن به صراحت از آن یاد شده است.
10	شوال	29 روز	این ماه بصورت معرفه با (الف و لام) نیز می‌آید. وجه تسمیه آن به دلیل کاهش شیر شتر در آن ماه است. این ماه اولین ماه از ماه‌های حج است.
11	ذوالقعدة	30 روز	وجه تسمیه آن این است که عرب‌ها در آن ماه در منازل خود می‌ماندند و آنگاه به خاطر حج یا تجارت خارج می‌شدند. این ماه از ماه‌های حرام است و دومین ماه از حج.
12	ذوالحجه	30 یا 29 روز	وجه تسمیه آن این است که در زمان جاهلیت مردم در آن ماه به قصد حج به سوی مکه رهسپار می‌شدند. اسلام حج بیت الله الحرام یعنی کعبه مکرمه در مکه را برای افراد مستطیع واجب گردانید و آن را از جمله ماه‌های معین و معلوم قرار داد. یعنی شوال، ذوالقعدة، و دهه اول ذی الحجه. نیز روز عرفات که افضل روزهای سال است در این ماه قرار دارد.

عرب این ماه‌ها را بر فصول چهارگانه تقسیم بندی می‌کرد: از پاییز آغاز می‌شود و آن را ربیع نیز گفته‌اند، زیرا اولین باران در آن فصل می‌بارد. سپس زمستان و بهار (که آنرا صیف یا الربیع الثانی نیز نامیده‌اند) و آنگاه تابستان است (که قیظ نیز نامیده‌اند) و پس از مدتی این تقسیم‌بندی را رها کردند.

تعداد روزهای سال قمری، 354 روز است، یعنی کمتر از تقریباً یازده روز از سال شمسی. حج عرب‌ها نیز در زمان‌های چهارگانه: پاییز، زمستان، بهار و تابستان واقع شده است. آنگاه برای اینکه حج آنها در زمان درو و خرمن و آماده شدن کالاها (پوست و چرم و...) واقع شود و این وضعیت در يك حال ثابت و در بهترین و حاصلخیزترین زمان باقی بماند، سال کیسه را از یهودیان مجاور خود فرا گرفتند. این جریان حدود دویست سال قبل از هجرت [نبوی] رخ داد. یهودیان که سال قمری آنها هم یازده روز از سال شمسی کم داشت پس از سه سال، يك ماه بر دوازده ماه خود اضافه می‌کرده و آن را فیادار یا آذار الثانی می‌نامیدند. عرب‌ها نیز تفاوت بین سال قمری و سال شمسی خود را با الحاق يك ماه جبران می‌کردند. آنها تفاوت بین دو سال شمسی و قمری را، ده روز و 21 ساعت و 12 دقیقه، اعتبار می‌کرده و لی در کل ده روز و بیست ساعت به حساب می‌آوردند. ابوریحان بیرونی گفته: 10 «عرب‌ها، هر 24 سال قمری، نه ماه کیسه می‌کردند و ماه‌های آنها با زمان‌ها ثابت بود و به يك طریق با زمان جاری و از اوقاتش تقدم و تاخر نمی‌گرفت.»

متولی انجام کبیسه یا همان نساء یا نسئی (یعنی کبیسه گرفتن سال و تغییر و تأخیر در ماه) ، مردمانی از قبیلۀ بنی‌کنانه بودند که به نساء خوانده می‌شده و به قلامس نیز معروف بود ند. مفرد قلامس، قلمس به معنی دریای پرآب است. اولین ناسی (کبیسه گیر) حذیفه بن قسیم 11 بن عدی و آخرین آنها ابوئمامه 12 جنادة بن عوف بوده است... هنگامی که نسئی انجام میشد، قلمس پس از انقضای حج در عرفات آن را در جوی از حرمت و عظمت به مردم اعلام می‌نمود و ماه‌های حرام را نیز بر می‌شمرد. 13 عرب‌ها پس از بعثت نبوی همچنان به انجام نسئی پای بند بودند. نسئی اول برای ماه محرم منظور می‌شد و صفر را محرم و ربیع الاول را صفر می‌نامیدند. نیز نسئی دوم برای ماه صفر بود و ماهی که پس از آن می‌آمد را هم صفر می‌نامیدند و این چنین گذشت تا نسئی در ماه‌های دوازده گانه متداول شد و به ماه محرم باز گشت کرد و آنگاه به مانند قبل آن را تکرار نمودند... از نتایج این کار تبدیل ماه‌های حرام به حلال بود و اینکه جنگ در ماه‌های [واقعی] حرام رخ می‌داد. و لذا این آیه کریمه نازل شد و نسئی را تحریم کرد: «انما النسئی زیاده فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاماً و یحرمونه عاماً لیواطئوا عده ما حرم الله فیحلوا ما حرم الله» [سوره توبه / 1437]

شاعر بنی کنانه قبلاً با افتخار سروده بود:

السنا الناسین علی معد

شهور الحل نجعلها حراماً

و دیگری گفته بود:

لنا ناسیء تمشون تحت لوائه

یحل، اذاشاء، الشهور و یحرم

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله منتظر ماند تا اینکه در حجة الوداع برای مردم خطابه گفت و فرمود: «همانا زمان به هیئت روزی که آسمانها و زمین آفریده شد، دور می‌زند.» یعنی ماه‌ها به موضع نخستین خود بازگشتند و عرب‌ها از تغییر آن دست برداشتند. آنگاه آیه تحریم نسئی را بر آنها تلاوت نمود. ولی آنها آیه را به غفلت نهادند و اسامی ماه‌های آنها چنان که بیرونی گفته به معانی خود دلالت نکردند. 15

دکتر انیس فریحه معتقد است 16 که عرب جاهلیت، کبیسه را از عبرانی‌ها فرا نگرفتند، بلکه ترجیحاً آن را از آرامی‌ها اخذ نمودند چه به نظر او نام (قلمس) ریشه آرامی داشته و از یونانی گرفته شده است یعنی: Kalos (فلس) به معنای موسیقی، رقص و نواختن بر دف!! 17 مبنای گاه شماری عرب‌ها در زمان جاهلیت، وقایع و ایام مشهور بوده است مثل بنای کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام در حدود سال 1871 ق.م و یا سیل عیرم به سال 120 ق. م یا عام الفیل 18 سال 571 میلادی. برخی قبایل آنها نیز جنگ دا حس و غبر 19 و حلف الفضول 20 را مبنای گاه شماری قرار می‌دادند.

در حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تاریخ‌گذاری مسلمانان سال به سال بوده است. آنها سال اول هجری را سال اذن و سال دوم را سال قتال می‌گفتند. 21 این وضعیت تا وفات پیامبر در شب دوشنبه 13 ربیع الاول مطابق با 8 حزیران / ژوئن سال 632 میلادی 22 ادا مه یا فت. مسلمانان در زمان خلیفه ابوبکر به جهت درگیر شدن با جنگ‌های رده و کوتاه بودن مدت حاکمیت او، مبنایی برای تاریخ‌گذاری خود قرار ندادند. اما در سال 17 هجری، خلیفه عمر بن خطاب، دیوان‌ها را تأسیس نمود و خراج را پایه‌گذاری کرد و لذا تعیین مبدأ گاه شماری (تاریخ گذاری) به عنوان نیاز ضروری رخ نمود. پس از بررسی و مشورت، هجرت نبوی به جهت عدم اختلاف در زمان وقوع آن، مبدأ تقویم قرار گرفت. وقوع هجرت نبوی [یعنی ورود پیامبر به شهر مدینه] در روز دوشنبه هشتم ربیع الاول مطابق با 13 ایلول 622 میلادی بوده است. و لذا برای ضبط حساب، آغاز تاریخ را اول محرم سال اول هجری قرار دادند. این روز، روز جمعه 16 تموز (ژوئیه) سال 622 میلادی و مطابق است با سال 4382 تاریخ عبری و سال 933 اسکندر و سال 1375 در تاریخ رومان و سال 338 در تاریخ قبطی.

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که تاریخ عربی اسلامی پس از اینکه بر مبنای هجری استوار شد و تمامی اشکال نسئی و کبس را ملغی نمود در حقیقت در امتداد تاریخ عربی جاهلیت قرار گرفت. نیز این دسته ماه‌های عربی، تماماً عربی خالص و پیوسته و بدون انقطاع مورد استفاده و کاربرد در سراسر وطن عربی و کشورهای اسلامی به مدت بیش از چهارده قرن بوده است.

این اسامی با دسته دیگری از اسامی ماه‌های مربوط به تقویم شمسی، همراه بوده است.

مجموعه دوم: اسامی ماه‌های معرب و منقول از زبان سریانی

ابوریحان بیرونی در کتابش [الآثار الباقیه...23] پس از سخن پیرامون تقویم عبرانیان و ماه‌های قمری آنها گفته: «... اما نصاری شام، عراق و خراسان، ماه‌های روم و یهود را ممزوج نمودند: بدین قرار که ماه‌های روم را استعمال کنند و مبدأ سال خود را اول ماه طمبریوس، ماه رومی (تشرین الاول) قرار دهند تا به رأس سال یهود نزدیکتر باشد. زیرا تشری یهود کمی بر آن مقدم خواهد بود. آنها ماه‌ها را به نام‌های سریانی نامیدند: برخی از اسامی با [اسامی] یهود موافق و برخی مخالف آنها بودند... اهالی سورستان - یعنی بلاد شام - که قبل از اسلام، مسیحی بودند این اسامی را وضع نمودند و با این ماه‌ها میان روم و یهود وساطت نمودند.» بیرونی در ادامه می‌گوید: 24 «... شهرت این ماه‌ها به اندازه‌ای بود که مسلمانان نیز به این اسامی پناه جستند و در زمان‌های کاری خود، از آنها بهره می‌بردند...» و اینک اسامی ماه‌های معرب سریانی و عبری:

ردیف	ماه سریانی معرب	تعداد روزها	ماه عبری	تعداد روزها
1	تشرین قدیم (الاول)	31	تشری یا ایثانیم	30
2	تشرین جرّای (الثانی)	30	مرحشوان یا بول	30
3	کانون قدیم (الاول)	31	کسلو یا کسلیف	30
4	کانون جرّای (الثانی)	31	طبیث یا طبیث	29
5	شباط	28 یا 29	شباط یا شفط	29
6	آذار	31	آذار یا آذر	29
7	نیسان یا نیسن	30	نیسان یا ایپ	30
8	ایار	31	ایار یا زیو	29
9	حزیران	30	سیوان یا سیون	30
10	تموز	31	تموز یا تمز	29
11	آب	31	آب یا اوب	30
12	ایلول	30	ایلول یا ایلل	29

در اینجا ملاحظه می‌شود که هشت اسم از اسامی ماه‌های سریانی معرب و ماه‌های عبرانی به جهت نزدیکی دو زبان [سریانی و عبری] شبیه به هم هستند. همچنین تعداد روزهای ماه شباط: 28 روز است و هر چهار سال، یک روز به آن اضافه می‌شود و تعداد روزها به 29 روز می‌رسد و آن را سال کبیسه می‌نامند. هر سال بدون اضافه تقسیم بر 4 می‌شود. نیز سال شمسی این مجموعه تقریباً 365 روز و یک چهارم روز است و سال کبیسه 366 روز. اما سال عبری قمری 354 روز است، این ماه‌ها بر اساس همان ترتیب قدیمی قرار دارند از ماه تشرین الاول آغاز و به ایلول ختم می‌شود. گفته می‌شود که اسامی این ماه‌ها گرچه سریانی‌اند اما قدمت آنها بیشتر است، زیرا سریانی‌ها خود از بابلی‌ها اقتباس کرده‌اند، چنانکه مقیاس‌ها و مکال‌ها و آئین دینی و کشاورزی خود را از آنها اقتباس نموده‌اند. اسامی 9 ماه از این ماه‌ها شبیه به همانند و ماه‌های کانون الاول و الثانی و حزیران شبیه اسامی ماه‌های عبری نیستند.

اسامی ماه‌های سریانی و معنای آن‌ها

ترتیب	اسم ماه	معنای آن
1	کانون الثانی (31 روز)	کانون اول و دوم: دو ماهی هستند در قلب زمستان و بین تشرین الثانی و شباط. کانون به زبان عربی به مفهوم آتش دان و بخاری است. کانون به جمع آن: کوانین از همان ریشه است. کانون: آدم گرانجان و غیرقابل تحمل است و یا شخصی است که برای خیرگیری و سخن‌گیری می‌نشیند. حطینه شاعر [جاهلی] در هجو مادرش گفته: اغبر بالا اذا استودعت سرا... و کانونا علی المتحدینا. عرب این دو ماه را قماح نیز نامیده است. قماح، نوعی دارو است که حیوان را از آب خوردن باز می‌دارد. استاد انیس فریحه گفته: 25 (کانون، ریشه سامی دارد و آن فعل (کن) به معنای ثبوت و استقرار است. چه مردم در آن ماه از کار جدا شده؛ در منازل خود استقرار می‌یابند. ریشه سریانی این کلمه به معنای اساس و قاعده است و از آن کلمه‌ای به مفهوم اثفیه یعنی سنگ‌های آتشدان، مشتق شده است.
2	شباط (28 یا 29 روز)	این کلمه به صورت اشباط و سباط نیز آمده است و ریشه آن از زبان سریانی (شبط) است که به معنی زدن با تازیانه و یا به مفهوم وزیدن شدید بادهای می‌باشد. این واژه در نقوش بابلی به صورت (شباطو) آمده است. بابلی‌ها آنرا برای الهه رمان - الهه باد و طوفان - به کار می‌برده‌اند. این واژه را عبرانی‌ها از بابلی‌ها اخذ کرده‌اند. نیز در تورات (سفر زکریا) این کلمه وارد شده و در اساطیر به آن دشمن مسنها اطلاق کرده‌اند زیرا برخی ایام ماه آذار را قرض گرفته تا روزهای باد و برف به طول بینجامد و برای افراد کهنسال، مشکل ساز شود.
3	آذار (31 روز)	احتمالاً همان واژه بابلی (ادارو) به معنی تاریکی و ظلمت است و مختص الهه آشور (پدرالاهه‌ها)؛ قدما آنرا به فال خیر و برکت می‌گرفتند زیرا باران و آب در آن زیاد بوده است. در زبان سریانی آذار به معنی نور و درخشندگی است زیرا آغاز فصل بهار است این کلمه از ریشه (هدر) گرفته شده زیرا رعد و برق مهیب در آن بوجود می‌آید. عوام می‌گویند: آذار الهدار (یعنی ماه آذار - غران) این واژه بدون مد نیز تلفظ می‌شود (آذار).
4	نیسان (30 روز)	اصل واژه، بابلی است و معنای آن آغاز حرکت است. به جهت حلول سال مقدس دینی بابلی‌ها در روز 21 آن یعنی روز معتدل بهاری؛ این کلمه به سریانی معنی سبزی و خرمی می‌هد و در عبرانی نیز همین معنا را می‌دهد؛ در تورات (سفر نحمیا و استیر) نیز آمده است...
5	ایار (31 روز)	اصل آن بابلی است به معنای شکفتن و شکوفه (گل). نیز نوار از نور به معنای همان شکوفه هم نامیده شده زیرا نشانه بهار است؛ گفته شده: «نیسان، باران و ایار، شکوفه می‌آورد». این واژه سریانی است و ایار به عربی به مفهوم هوای گرم یا باد شمال است.
6	حزیران (30 روز)	واژه‌ای است سریانی به معنای گندم و یا درو و یا خوشه‌ها؛ وجه تمسیه آن درو کردن محصول در آن ماه بوده است. در میان بابلی‌ها این لفظ شایع نبوده بلکه در زبان عبری به جای آن، سیوان به شکل سیوان یا سیو آمده است.
7	تموز (31 روز)	واژه‌ای است سریانی از اصل بابلی - سومری (دوزی) یا (دوموزی) به معنی فرزند زندگی یا فرزند نیکوکار. تموز اسم رب النوعی است که به اعتقاد سومری‌ها پس از مرگ، زنده مبعوث می‌شود. این رب النوع به تمامی دول شرق قدیم انتقال یافته است. فینیقی‌ها آن را به نام

		ادونیس؛ مصری‌ها به نام اوزور یس و کنعانی‌ها به نام ادون به معنای سید یا رب، می‌شناسند. ب النوع تموز، زوج عشتروت، الاله باروری، مادری و سمبل عشق و طبیعت در میان فینیقی‌هاست (جیل).
8	آب (31 روز)	می‌گویند که اصل آن بابلی است (آبو) به معنی میوه، گیاه و علف. واژه آب در سریانی یعنی محصول، فصل درو و میوه‌ی رسیده؛ آب الهاب، نیز گفته شده به جهت شدت گرما، اما در زبان عرب (اب) به مفهوم زراعت و گیاه است.
9	ایلول (30 روز)	اصلش بابلی است. در سریانی و عبری به معنای عویل (نال و زاری) است. ریشه آن در عربی، (ول) به معنای فریاد زاری کردن است؛ چه گریه و زاری بر تموز در آن ماه رخ می‌داده است.
10 11	تشرین الاول الثانی (30 یا 31 روز)	اصل آن بابلی است: تشرینو؛ در سریانی: تشری یا تشرای؛ و در عربی ریشه سامی دارد به معنی (شرع) یعنی آغاز نمودن، دلیل آن این که تشرین الاول، اولین ماه سال سریانی است و کشت و زرع در آن ماه و قبل از آمدن زمستان آغاز می‌شود.
12	کانون الاول (31 روز)	بنگرید به کانون الثانی

ملاحظه می‌کنیم که اسامی ماه‌های دوازده گانه یاد شده، سریانی و بیشتر آنها دارای ریشه بابلی است. تعجب ندارد زیرا هر دو زبان جزء دسته زبان‌های حامی - سامی هستند که شامل مصری قدیم، حبشی، قبطی و بربری و نیز زبان‌های آکادی سریانی یا بابلی - آشوری، کنعانی، آرامی یا سریانی، عبرانی و عربی می‌شده است. «این زبان‌ها در واژگان و صرف و ریشه، نزدیک همانند» 26 زبان‌های آرامی بر مناطق وسیعی از بلاد شام و بین‌النهرین سیطره یافت. بطریک ز کا اول می‌گوید: «زبان سریانی یکی از مجموعه زبان‌های شرق قدیم (= زبان‌های سامی) است که [زیر مجموعه] زبان‌های آرا می به شمار می‌رود. این زبان در گذشته دور، انتشاری وسیع یافت و حروف الفبای زبان‌های متعدد شرقی قرار گرفت و بلکه به مدت زیادی زبان بین‌المللی تمامی شرق (قدیم) گشت. معروف است که سریان در اصل، ساکنان اصیل سوریه بوده‌اند و از قرن شانزدهم قبل از میلاد در بلاد آرام شام و آرام‌نهرین سکنی گزیدند و با گروه‌های سامی قدیم یعنی سومری‌ها، بابلی‌ها، آشوری‌ها، کنعانی‌ها و فینیقی‌ها آمیختند و از تمدن، فرهنگ، اعتقادات و زبان‌های آنها تأثیر پذیرفتند» به علاوه بین زبان عربی و همان سریانی در مراحل و مکان‌های متعدد قبل و بعد از اسلام تبادل و سیع زبانی به سبب نزدیکی دو جانبه فرهنگی و زبانی، برقرار بوده است.

این اسامی ماه‌ها از سریانی، معرب شد و جمهور مردم آن را استعمال کردند و آب و هوا، فصل‌ها، کشاورزی و اعیاد خود را بر اساس آنها تنظیم می‌نمودند. ابن ندیم در کتاب الفهرست در قرن چهارم هجری، به این اسامی تصریح داشته و در بحث‌ها و شروح خود آنها را بکار برده است. کتب میراث ادبیات قدیم عربی تا زمان نهضت جدید بر اساس کاربرد این اسامی تألیف یافته و جمع‌آوری شده‌اند.

شاعر عباسی ابونواس گفته:

مضى ايلول وارتفع الحرور

و اخبت نارها الشعری العبور

محمد بن عبدالملک زیات نیز چنین سروده است:

بردالماء و طال

سیل و التذالشراب

و مضی عنک حزیرا

ن و تموز و آب

شاعر مصری جمال الدین نباته در قصیده‌ای در رثای فرزندش که در ماه کانون الثانی وفات یافته چنین آورده:
فی شهر کانون وافاه الحمام، لقد
احرقت بالنار یا کانون احشائی

این اسامی دوازدهگانه عربی در بلاد شام و عراق از قدیم تا به حال بدون توقف، کاربرد داشته است. یعنی در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و اردن. اما برخی از کشورهای عربی از سال‌ها قبل و یا نزدیک تر، از کاربرد آن امتناع ورزیده‌اند و به جای آن از نام‌های ترجمه شده از انگلیسی و فرانسه که هر دو از زبان لاتین برآمده‌اند استفاده کرده‌اند.

مجموعه سوم: اسامی ماه‌هایی که از زبان‌های اروپایی ترجمه شده‌اند.

سال رومی‌ها از 10 ماه قمری تشکیل می‌یافته است از ماه مارس آغاز و به ماه دسامبر منتهی می‌شود. هر ماه شامل 30 روز و هر سال مجموعاً 304 روز است که 60 روز دیگر به اسم (مکمل) به آن اضافه می‌شود. اسامی 4 ماه رومی، اسامی الاهی‌ها و 6 تای دیگر به شماره‌شان شناخته می‌شود. آنها مبدأ تاریخ‌گذاری را تاریخ بنای روم (753 ق. م) نهادند و آنگاه اصلاحاتی در این تقویم داده شد که مهم‌ترین آن سه تا می‌شوند:

الف) تقویم نومابومیلوس:

که دومین اباطره (715 - 672 ق. م) است: او دو ماه ژانویه و فوریه را اضافه کرد و ماه‌ها را پشت سر هم 30 و 29 روز تثبیت نمود و هر دو سال، یک ماه 22 یا 23 روزه را به آنها افزود.

ب) تقویم یولیانی (45 ق. م):

یولیوس قیصر در سال 46 ق. م از منجمی مصری به نام سوسیگنس (Sosigenes) برای تنظیم تقویم، استعانت جست و او این تغییرات را به انجام رساند: 1. او بر سال شمسی تکیه کرد و آن را 365 قرار داد و سال کبیسه را در هر چهار سال 366 روز و برخی ماه‌ها را 30 روز و برخی را 31 روز تعیین کرد. ماه فوریه در سال عادی 28 روز و در سال کبیسه 29 روز شد و مبدأ تاریخ را روز اول ژانویه سال 709 یعنی روز بنای شهر رم قرار داد. در سال 44 ق. م نام یولیوس را به ماه هفتم و در سال 31 ق. م نام اگوست را به ماه هشتم اطلاق نمود و هر یک از آنها را به تساوی 31 روز قرار داد تا احساس برتری یکی بر دیگری نشود. از مهم‌ترین مشکلات این تقویم: عدم انطباق اسامی بر ترتیب ماه‌ها بود؛ سپتامبر یا ماه هفتم، نام ماه نهم شد و دسامبر یا ماه دهم، نام ماه دوازدهم... دیگر مشکل آن، اختلاف تعداد روزهای ماه بود. چه تعداد روزهای برخی ماه‌ها 30 و برخی 31 روز می‌شد و این مبدأ خطا به شمار می‌رفت.

ج) تقویم یولیانی (ژولین) مسیحی:

این تقویم را راهب اکسیگیوس (Exiguus) متوفی به سال 550 میلادی تنظیم نمود. او بر اساس تولد حضرت مسیح در سال 25 دسامبر / کانون الاول سال 754 یعنی بنای شهر رم، آغاز سال را 25 مارس / آذار یعنی روز عید پاک قرار داد. و بعد از آن شروع سال در هفته‌هایی که پس از عید میلاد می‌آمد، در نظر گرفته می‌شد. و این همان تقویمی است که به تقویم مسیحی شرقی شناخته می‌شود که در سال 1431 میلادی توسط کلیسا به ثبت رسید.

د) تقویم گرگوری:

در سال 1582 میلادی پاپ گرگور یوس سیزدهم چندین استنباط نمود که اعتدال ربیعی، بر اساس تقویم یولیانی در 11 آذار (مارس) واقع می‌شود و نه در 21 مارس. و لذا گلاویوس راهب را برای اصلاح تقویم مأمور کرد. بدین قرار که سال شمسی حقیقی از سال یولیانی کمتر است یعنی [طول متوسط] سال ژولین 25 / 365 روز بوده و در مقایسه با [طول متوسط] یک سال شمسی معادل 11 دقیقه و 14 ثانیه طولانی‌تر است. بر این حساب، تفاوت سال شمسی و سال ژولین هر 400 سال، 3 روز می‌شود. و لذا او تعیین کرد که 10 روز از سال 1582 میلادی ساقط نمایند یعنی 5 اکتبر، 15 اکتبر به حساب آید. این تقویم از آن پس به تقویم گرگوری نامیده شد و دولت‌ها و کلیساهای غربی آن را اجراء نموده و در محاسبات، اعیاد و امور خود آن را ملاک قرار دادند. اما پاره‌ای از گروه‌های مسیحی شرقی، اعیاد خود را به جهت دلایل دینی و سیاسی، همچنان بر اساس تقویم یولیانی (ژولین) شرقی تنظیم می‌کنند. تفاوت کنونی تقویم یولیانی و گرگوری به 13 روز و 3 روز رسیده است. زیرا 400 سال از تصحیح اول (در سال 1582م) می‌گذرد. به علاوه نجومیان بر این هستند که تفاوت‌های کوچکی بین این دو تقویم، در حال ایجادند و احتمالاً در هر چهار هزار سال، یک روز کامل را تشکیل دهند. به هر روی این همان حساب شرقی اصلاح شده مطابق با تقویم گرگوری است و مورد کاربرد برخی از کلیساهای ارتودوکسی در دنیا کنونی نیز است.

اسامی و معانی ماه‌های معرب از زبان‌های اروپایی

ردیف	نام ماه	معنای آن
1	ینایر (=ژانویه) کانون الثانی) 31 روز	لاتین: Januarius؛ انگلیسی: January؛ فرانسه: Janvier رومی‌ها آن را به اسم الاهی یانوس (Janus) (یعنی الاهی خورشید و فرزند الاهی آپولون که نگهبان درهای آسمان و الاهی جنگ و صلح بوده نامیدند آنها او را به شکل انسانی دو صورتی که به دو جهت مخالف نگاه می‌کند تصور کردند. یعنی در آغازین روزهای ماه به گذشته نظر کرده با آن وداع می‌کند و به سال جدید بشارت کنان نظر می‌کند. الاهی یانوس دارای معبدی بوده که درهای آن در ایام جنگ، باز و در ایام صلح، بسته است. این درها دوازده در (به عدد ماه‌های سال) دارند. در اول روز ماه، رومی‌ها، محافلی را تشکیل می‌دادند و برای یانوس، عسل، خرما و حلوا پیشکش می‌کردند. این عید بت‌پرستانه بعدها به عید آغاز سال، تبدیل شد. هدایای رد و بدل شده بین آنها کارت پستال‌های تهنیت بوده است.
2	فبرایر (=فوریه) شباط) 28 یا 29 روز	لاتین: Februarius؛ انگلیسی: February؛ فرانسه: Fevrier فوریه از واژه Februa، جمع کلمه Februum، به معنای کفاره و آمرزش گرفته شده است. یعنی عید تطهیر و تقدیس رومی‌ها، مردم در پانزدهمین روز ماه، عیدی بر پا می‌کردند و روح خود را از گناهان پاک می‌ساختند و خانه‌ها و لوازم آن را تمیز می‌کردند. و عید گرگی را که روموسو رومیلوس (بازیان شهر رم) را نجات داد و به آن دو شیر خوراند، بر پا می‌کردند. این ماه، مخصوص الاهی نپتون - الاهی دریا - بود زیرا باران در آن ماه زیاد می‌بارید. آنها از این الاهی به زنی یاد می‌کنند که لباسی آبی به تن دارد و در دستش مرغابی و در کنارش، حوضی است لبریز از آب و جلوی پای او مرغ ماهیخوار ایستاده است.
		لاتین: Martius؛ انگلیسی: March؛ فرانسه: Mars نام آن از اسم الاهی مارس یعنی مریخ یا همان الاهی جنگ در نزد

3	مارس (=آذار) 31 روز	یونانیان گرفته شده است و قبل از آن الاهی زراعت و گیاه بوده است. در انگلستان آن را طولانی‌ترین ماه می‌شمردند و از آن به طوفان و خروشان و غرنده و یا طولانی‌ترین ماه یاد می‌کنند. زیرا به اعتقاد آنها، این ماه سه روز از شهر آوریل را به قرض گرفته است. سال رومانی‌ها با این آغاز می‌شود. این ماه در انگلستان تا قرن هجدهم [میلادی] ماه اول سال قانونی به شمار می‌رفت و در فرانسه نیز اولین ماه سال به شمار می‌رفت تا اینکه پادشاه شارل نوزدهم، در سال 1564 میلادی، ژانویه را مبنای آغاز سال قرارداد.
4	ابریل (=آوریل=نیسان) 30 روز	لاتین: Avril؛ انگلیسی: Aprillis؛ فرانسه: April این ماه به ونوس یا افروdit - الهه زیبایی و دوستی - در نزد یونانیان، منسوب است. چه آنها معتقد بودند که این الهه، گل‌ها و غنچه‌ها را باز می‌کند و درهای آسمان را می‌گشاید تا خورشید پس از پنهان شدن در فصل زمستان، دوباره نور افشانی کند. این ماه آغاز بهار است: فصل سبزی و خرمی و نسیم روح بخش. آوریل از ریشه: Aprice به معنای بازگشایی و گل‌هاست. این ماه در پاره‌ای از قبایل شمال اولین ماه سال به شمار می‌رفت و بعدها، ژانویه آغاز سال قرار گرفت. مردم یونان اول آوریل را که تبدیل به افسانه معروف نیسان شد، هرگز فراموش نکرده‌اند.
5	مای (=می/مه=ایار) 31 روز	لاتین: Maius یا Maia یا Maja؛ انگلیسی: May؛ فرانسه: Mal این ماه به الهه مایا، الهه رشد و باروری و حاصلخیزی در نزد رومیان منسوب می‌شود. او دختر اطلس حامل زمین و مادر الهه عطارد (خادم آلهه) می‌باشد... اولین کسی که مه / می را به این شهر اطلاق کرد، رومولس - مؤسس شهر روم - بوده اقدام وی به جهت احترام به الهه مه بوده است. در حال حاضر در اولین روز این ماه عیدی جهانی برای کارگران برپا می‌شود.
6	جوان (=ژوئن=) حزیران) 30 روز	لاتین: Juin؛ انگلیسی: Juniu؛ فرانسه: June این نام برگرفته از نام قبیله یا خانواده رمی است که دارای شهرت و مجد بوده‌اند به نام: ژونیوس بروطوس. این ماه به جهت تکریم میر کوریوس است که همواره به صورت جوانی متصور می‌شود و به او ژونیوس گفته‌اند. انگلیسی‌ها این ماه را ماه خشکی یا ماه گرمی یا ماه چراگاه‌ها می‌نامند زیرا معمولاً حیوانات خود را در این ماه برای چرا در مزرعه‌های سرسبز رها می‌کنند.
7	یولیه (=ژوئیه=تموز) 31 روز	لاتین: Julius؛ انگلیسی: July؛ فرانسه: Juillet این نام منسوب است به امپراتور مشهور رومی: یولیوس قيصر (=ژولیوسزار) که در آن ماه (100 - 44 ق.م) متولد شد. به این ماه قبل از نام ژوئیه، ماه پنجم (Quintilis) می‌گفتند زیرا از جهت ترتیب، پنجمین ماه رمی‌ها به حساب می‌آمد. انگلیسی‌ها به آن، نام «ماه عروسی» اطلاق کردند.
	اغسطس	لاتین: Augustus؛ انگلیسی: August؛ فرانسه: Aout این ماه به امپراتور رمی آگوست قيصر اکتاویوس 27 منسوب است. این واژه از کلمه لاتینی Augere گرفته شده است. بیشترین پیروزی‌های آگوست / اغسطس در این ماه، دلیل اطلاق این اسم بر آن شده است. آنها روزهای این ماه را 31 روز قرار دادند تا تعداد آن از

8	(= اوت = آب) 31 روز روزهای ماه ژوئیه که نام یولیوس قیصر را به دوش می‌کشد کمتر نباشد. این ماه قبلاً به ماه ششم (Sexilis) خوانده می‌شد زیرا از جهت ترتیب، ششمین ماه سال رومی‌ها به شمار می‌رفته است. این ماه را ساکسون‌ها، ماه انبار نیز نامیده‌اند زیرا در آن ماه مردم انبارهای خود را از محصولات پر می‌کردند.
9	لاتین: September؛ انگلیسی: September؛ فرانسه: Septemre به معنی ماه هفتم است و از ریشه لاتینی Septem به معنای (هفت) سبتمبر (= سپتامبر = ایلول) می‌شود، هفتمین ماه به حساب می‌آید. انگلیسی‌ها به آن ماه (ماه عریان) و فرانسویان در ایام پادشاهی شارلمان به آن (ماه درو) می‌گفتند.
10	لاتین: October؛ انگلیسی: October؛ فرانسه: Octobre به معنی ماه هشتم است و از ریشه لاتینی Octo به معنای (هشت) اکتوبر (= اکتبر = تشرین الاول) می‌شود هفتمین ماه به حساب می‌آید. ساکسون‌ها آن را (ماه شراب) نامیدند. زیرا انگورها در آن ماه جهت تهیه شراب فشرده می‌شوند. اسلاوها نیز آن را (ماه زرد) نامیدند. زیرا در آن‌ماه برگ درختان پژمرده و زرد می‌شوند.
11	لاتین: November؛ انگلیسی: November؛ فرانسه: Novembre به معنی ماه نهم است و از کلمه لاتین Novem به معنی (نه) ماخوذ است. زیرا نهمین سال رومی به حساب می‌آید. انگلیسی‌ها آن را (ماه طوفان و خون) نامیدند. اما بعدها به آن (ماه صلح و آرا مش) گفتند. زیرا در آن ماه جنگ جهانی اول به پایان رسید.
12	لاتین: Desember؛ انگلیسی: Desember؛ فرانسه: Desembre به معنی ماه دهم و از کلمه لاتینی Desem به معنای ده ماخوذ است. زیرا دهمین سال رومی که با ماه مارس شروع می‌شود به حساب می‌آید. این ماه آخرین ماه سال میلادی شمسی است.

پوریحان بیرونی در کتاب الآثار الباقیه 28 گفته است که عباس آملی در کتابش (دلائل القبله) آورده که مغربی‌ها ماههایی را به کار می‌برده‌اند که اوایل آن با ماه‌های قبطی یکسان است. این اسامی بدین قرارند: نینر، فبریر، مرسه، ابریر، مایه، یونیه، یولیه، اغست، ستمبر، اکتوبر، نوفمبر، دخیمر.

این اسامی، اسامی تحریف شده و مورد کاربرد رومی‌ها بوده است. یعنی: ینواریوس، فبراریوس، مرطیوس، افریلیوس، مایوس، یونیوس، یولیوس، اغسطس، سطرپیوس، طمبریوس، نوامبریوس، دمبریوس، و لذا بعید نیست که ساکنان بلاد مغرب مستقیماً از طریق اندلس، اسامی ماه‌ها را از زبان رومیان نزدیک به آنها در زمان حکمرانی آنها بر سرزمین‌های مغرب، اقتباس کرده‌اند.

بعد از این گزارش تاریخی و زبانی ماه‌ها، کیفیت کاربرد کنونی اسامی ماه‌ها را در کشورهای عربی بیان می‌داریم:

کشورهای: امارات متحده عربی، بحرین، قطر، عمان، کویت، یمن، سعودی، سودان و مصر:

(ینایر، فبرایر، مارس، اپریل، اپریل، مایو، یونیو، اغسطس، سبتمبر، اکتوبر، نوفمبر، دیسمبر)؛

کشورهای: تونس، الجزایر:

(جانفی، فیفری، مارس، مای، جوان، جویلیه، اوت، سبتمبر، اکتوبر، نوفمبر، دیسمبر).

کشور مغرب:

(بنایر، فبرایر یا پیرایر، مارس، اپریل، مای یا مایو، یونیو یا یونیه، یولیوز، غشت، شتمبر، اکتوبر، نوفمبر، دیسمبر یا دجنبر).
کشور موریتانی اسلامی:
(بنایر، فبرایر یا پیرایل، مارس، اپریل، مایه، یونیو یا یونیه، یولیه، اغسطس یا اغشت، شتمبر، اکتوبر، نوفمبر، دیسمبر یا دجنبر).

دو نکته:

1. در برخی از کشورهای عربی، اسامی ماه‌های یاد شده (مغرب)، بین دو پرانتز و پس از اسامی لاتین آن می‌آید مانند دولت کویت؛
2. در اندلس قدیم و اکنون در مغرب عربی، ماه‌هایی تحت عنوان ماه‌های کشاورزی مستعمل است که واژگان آن از لاتینی اخذ شده مانند، جانفی، فیفری، مارس... این ماه‌ها با تفاوت 13 روز با سال تقویم یولیانی توافق دارند.

اسامی دیگر ماه‌ها:

در کنار اسامی ماه‌های ذکر شده که در کشورهای عربی و در بیشتر دولت‌های دیگر، متداول و شایع است، اسامی دیگری نیز در برهه‌ای از زمان و در کشوری معین یافت شده است. اتحادیه ملی فرانسه در تاریخ 24 تشرین الثانی / نوامبر 1793 میلادی در ایام انقلاب فرانسه، تقویم جدیدی به نام تقویم جمهوری وضع کرد. سال در این تقویم با اعتدال پائیزی یعنی در 22 اپریل / سپتامبر آغاز می‌شد. هر سال به دوازده ماه و هر ماه به 30 روز تقسیم می‌شد. به اضافه 5 روز تکمیلی برای برگزاری جشن‌های جمهوری. اسامی این ماه‌ها بدین قرار است.

الف) ماه‌های پائیزی:

1. Vendemiaire (Vendange = ماه برداشت؛ 2. Brumaire (Brume = ماه مه / مه آلود؛ 3. Frimaire (Frimas = ماه سرد.

ب) ماه‌های زمستان:

1. Nivose (Nege = ماه برف؛ 2. Pluviose (Pluie = ماه باران؛ 3. Ventose (Vent = ماه باد؛

ج) ماه‌های بهار:

1. Germinal (Germination = ماه بذرافشانی؛ 2. Floreal (Fleur = ماه شکوفه و گل؛ 3. Prairial (Prairie = ماه چرا.

د) ماه‌های تابستان:

1. Messidor (Moisson = ماه درو؛ 2. Thrmidor (Chaleur = ماه حرارت؛ 3. Fruit (Fructidor = ماه محصول.

به علاوه هر ماه به جای 4 هفته به سه دهه تقسیم‌بندی می‌شد و هر دهه: Decade نامیده می‌شد. اسامی روزها نیز بر اساس روش شماره گذاری عادی نامگذاری شد: روز اول: Primidi؛ روز دوم: Duodi؛ روز سوم: Tridi؛ روز چهارم: Quartidi؛ روز پنجم: Quintidi؛ روز ششم: Sextidi؛ روز هفتم: Septidi؛ روز هشتم: Octidi؛ روز نهم: Nonidi؛ روز دهم: Decadi.

این تقویم از ایام انقلاب فرانسه به مدت 13 سال (از سال 1793 تا 1806 م) متداول و سپس باطل شد.

در جمهوری عربی لیبی نیز اسامی جدیدی برای ماه‌ها بر اساس شروع تاریخ از وفات پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله به جای هجرت نبوی وضع شده است. بدین قرار: نار (ژانویه)؛ نوار (فوریه)؛ ربیع (مارس)؛ طیر (آوریل)؛ ماء (مه)؛ صیف (ژوئن)؛ ناصر (ژوئیه)؛ هانیبال (اوت)؛ فاتح (سپتامبر)؛ تمور (اکتبر)؛ حرث (نوامبر)؛ کانون (دسامبر) این اسامی و مبداء وفات [نبوی] مورد کاربرد کنونی جمهوری عربی لیبی است.

شیوه یکسان‌سازی اسامی ماه‌ها:

پس از این گزارش مختصر درباره اسامی و معانی ماه‌ها و اماکن به کارگیری آنها در کشورهای عربی؛ می‌توان در مورد کاربرت شیوه بایسته برای یکسان‌سازی این اسامی در جای جای کشورهای عربی سخن گوئیم:

1. در مورد اسامی عربی ماه‌های مربوط به تقویم هجری قمری (محرم، صفر و...) باید گفت که کاربرد آنها در کنار تقویم شمسی به دلایل ذیل بدیهی و اجتناب‌ناپذیر است: الف) اصالت عربی این اسامی و ارتباط محکم آنها با اعتقادات اسلامی؛ ب) در آمیختگی آنها با تمدن دینی، ادبی و علمی اسلامی؛ ج) کاربرد پیوسته و هزار و چهار ساله آن در کشورهای عربی و اسلامی
2. اسامی ماه‌های منقول از زبان سریانی [کانون الثانی، شباط و...] دارای این ویژگی هستند:

الف) این اسامی از زبان‌های سامی و نزدیک به زبان عربی، معرب (عربی شده) هستند. الفاظ دو ماه کانون الاول و کانون الثانی، الفاظ عربی و یا مشترک با سریانی هستند؛ الفاظ دوازده‌گانه این دسته، از ریشه زبان آرامی سریانی‌اند. این زبان نزدیک‌ترین زبان سامی به عربی است. اسامی نه ماه از این دسته نیز دارای ریشه بابلی است و زبان بابلی هم از زبان‌های سامی به شمار می‌رود.

وام‌گیری یک زبان سامی از زبان سامی دیگر، طبیعی است به ویژه اینکه بین سخنگویان هر دو زبان، زندگانی مشترک و همزمان وجود داشته باشد و آیندگان از زبان، فرهنگ، هنر، علم و تمدن گذشتگان بهره ببرند.

ب) این الفاظ در منطقه جغرافیایی و تمدنی واحد، متولد و متداول شد. ما آثار طبیعت و ویژگی‌های جو و آب و هوا را در آنها احساس می‌کنیم: باران‌های (آذار) و رعد و برق مهیب آن، گیاه و سرسبزی (نیسان)؛ شکوفه‌ها و گل‌های (ایار) و درخشش آنها؛ خوشه‌های (حزیران) و دروی آن؛ و دروی (آب) و محصولات آن. کشاورز را می‌بینیم که در (تشرین) در بیا بانِ شنعار یا غوطه دمشق، زمین را شخم می‌زند تا اینکه (کانون) می‌آید و باده‌ها شروع به وزیدن می‌کنند و باران می‌بارد و هوا به سردی می‌رود و او به خانه‌اش پناه می‌برد و در کنار آتش خود را گرم می‌کند.

ج) اسامی یاد شده با وزن‌های صرفی عربی مطابقت دارد: شباط بر وزن فُعال، آذار بر وزن افعال، ایار بر وزن فُعال، این الفاظ، معرب (عربی شده) هستند و نه دخیل. واژه معرب حکم واژه عربی را دارد. افزون بر این الفاظ مذکور دارای طنین صوتی ملایم و روان و موسیقیایی است و گوش و بیان از آنها لذت می‌برند.

د) این الفاظ از قدیم با تمدن عربی امتزاج یافته و در آثار ادبی و علمی انتشار یافته است. همچنین شاعران در شعر خود و ادبا در نثر خود، آنها را به کار برده‌اند که نمونه‌های آن را قبلاً ارائه دادیم. و هیچ فرد عربی در اصالت آن شك نخواهد کرد.

جز اینکه برخی از کسانی که این اسامی را به کار نمی‌برند در مورد تعمیم کاربرد آنها

اشکالاتی را به این شرح وارد کرده‌اند:

1. اگر این اسامی از سریانی معرب هستند، دیگر اسامی ماه‌ها [ی اروپایی] یعنی: ینایر (ژانویه)، فبرایر (فوریه)... نیز از زبان انگلیسی و فرانسوی و در اصل از ریشه لاتینی، معرب شده‌اند. در این صورت هر دو دسته اسامی در معرب بودن، مشابه هستند. بی اساسی این اشکال، واضح است. چه عربی کردن از زبان سامی با عربی کردن از زبان هندی - اروپایی قابل مقایسه نیست، زیرا اسامی دسته اول معرب هستند و اسامی دسته دوم نه معرب بلکه اسامی دخیل هستند و اوزان آنها با اوزان عربی مشابهت و تناسب ندارند. و این باعث گردیده که اسامی دسته دوم با ذوق و سلیقه عربی همسان در نیامده و برگوش و نطق سنگینی کند. علاوه بر این دو اسم از این دسته، اسامی دو پادشاه رومی است و چهار تای آن، ارقامی است که مفهوم آن تغییر یافته و مابقی به اساطیر بت پرستی مربوط می‌شود.

همچنین اسامی گروه اول از قدیم تا به حال، به يك صورت نوشته و با يك آوا تولید می‌شوند. حال آنکه اسامی دسته دوم به جهت اخذ آنها از زبان انگلیسی و فرانسه، به گونه‌های مختلف گفته و نوشته می‌شوند. مثلاً ماه آپ را در مصر و سودان؛ اغسطس؛ و در تونس و الجزایر؛ اوت و در مغرب غشیت؛ و در موریتانی اغشیت می‌گویند و همچنین ماه ایلول را در مصر و سودان شیمتر؛ در مغرب شدیمیر و در موریتانی شیمیر گویند و مانند آن.

2. چهار اسم از اسامی این دسته هر يك شامل دو لفظ به جای يك لفظ واحد هستند: کانون الاول، کانون الثانی، تشرین الاول، تشرین الثانی. و این موجب بروز مشکلاتی در نوشتن و قرائت و انتساب آنها می‌شود.

این اعتراض نیز ضعیف است زیرا چه ضرری دارد که تعداد کلمات این اسامی، شانزده لفظ به جای دوازده لفظ باشد؟ نگاه برخی از اسامی عربی ماه‌های مربوط به تاریخ هجری نیز دو کلمه‌ای هستند: ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادى الاولى، جمادى الثانی. و این موجب نشده است که از اهمیت و صلاحیت و پذیرش ماه‌های یاد شده چیزی کاسته شود. این در حالی است که انتساب در ماه‌های دیگر مشکل‌تر است.

3. اسامی این دسته، جز در پنج کشور از جمله بلاد شام و عراق کاربرد ندارند حال آنکه اسامی دیگر یعنی ینایر، فبرایر و... در دیگر کشورهای عربی متداول است. این کشورها پرجمعیت‌تر و وسیع‌تر از کشورهای قبلی هستند و به علاوه در بلاد مغرب نیز خیلی زود نفوذ یافتند.

این اشکال و اعتراض نیز سست است به ویژه اینکه همه می‌دانیم که گسترش کاربرد ماه‌های منقول از انگلیسی و فرانسه به سبب تأثیر حکمرانی خارجیان انگلیسی و فرانسوی بر پاره‌ای از کشورهای عربی از اوایل قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم (میلادی) بوده است. این استعمارگران سعی داشتند تا زبان و فرهنگ خود را بر ابناء این کشورها مسلط و بلکه آن را تحمیل نمایند. برخی از سران و با نفوذها و ذی‌نفع‌های عرب در این کشورها از این رویه پیروی نمودند.

اما در مورد کاربرد قدیمی این اسامی در بلدان مغرب [اسلامی] باید گفت که تقلید ضعیفاً از قدرتمندان نیز امری است که در هر زمان و مکان شایع و مشهور بوده است و دلیل آوردن به آن صحیح نخواهد بود.

بنابر مطالب یاد شده اعتقاد داریم که تعمیم و گسترش کاربرد اسامی عربی یا معرب ماه‌ها، کاری مفید و مطلوب خواهد بود و گامی مهم در راه یکسان‌سازی لغوی و فرهنگی‌ای است که همگان در تحقق آن اهتمام دارند. و آنگاه پس از هموارسازی موضوع، تمامی فرهنگیان و دانش‌آموزان در تمامی کشورهای عربی، نسبت به اسامی دیگر ماه‌های عربی که از انگلیسی و فرانسوی گرفته شده‌اند، ناآگاه نخواهند بود. آموزش این دو زبان در مدارس عربی، بطور مستمر برپاست و دانش آموزی که در آنجا درس می‌خواند از سال‌های آغازین آموزش، به فراگیری اسامی ماه‌های خارجی می‌پردازد... و ما بدین وسیله خطا و لغزشی را که شرایط تاریخی و جغرافیایی و سیاسی موجب آن بوده‌اند، اصلاح می‌کنیم و پذیرش آن را نخواهیم داشت.

اما راه دستیابی به یکسان‌سازی یا غلبه دادن کاربرد ماه‌های عربی در تمامی کشورهای عربی چیست؟

اتحادیه کشورهای عربی و سازمان‌های آن و به ویژه سازمان عربی تربیت، فرهنگ و علوم با این موضوع اختلافی در بین کشورهای عربی، مواجه شد و در مقابل آن شیوه‌ای موفقیت‌آمیز را در پیش گرفت. این سازمان در اسناد و انتشارات خود، تاریخ هجری و ماه‌های معروف آن را به کار برده و تاریخ میلادی را به آن الحاق نموده است. چنانکه مجله (شؤون عربیه) که دبیرخانه کل اتحادیه آن را انتشار می‌دهد و نیز مجله (العربیة للثقافة) که آن را سازمان مذکور انتشار می‌دهد و نیز کشور کویت، هر يك به همین شیوه عمل نموده‌اند.

این شیوه، شیوه‌ای است موقت و گذرا و تکیه بر آن در مدت طولانی، به صلاح نخواهد بود و این کار ما را از تعیین اسم واحد برای هر ماه بی نیاز نمی‌کند.

حکایت یکسان‌سازی اسامی دوازده ماه، همان حکایت یکسان‌سازی تمامی امور زبانی و فرهنگی و اصطلاحات علمی و ادبی را دارد که مورد پذیرش و خواست همگان است موضوعی که شایسته است با زحمت و برنامه، مورد بررسی قرار گیرد به نحوی که شرایط التزام به کاربست تصمیمات اتخاذ شده فراهم و رضایت کامل به دست آید. در این راستا برداشتن گام‌های ذیل مطلوب خواهد بود:

1. مؤسسه نظام‌دهی تعریب در رباط که زیر مجموعه سازمان عربی تربیت، فرهنگ و علوم است، وظیفه تحقق این موضوع و پیشنهادات و تصمیمات مربوط به یکسان‌سازی را عهده‌دار شود تا این کار را در موضوعات نظام‌مندی و یکسان‌سازی خود قرار دهد.

2. مؤسسه یاد شده، موضوع را بر مجامع و آکادمی‌های زبان عربی عرضه بدارد تا تحقیق و بررسی و تصمیمات نهایی با هماهنگی و اتحاد این مجامع و دانشگاه‌های عربی و محافل عربی و محافل علمی، به انجام رسد.

3. ارائه نتایج این بررسی‌ها و آرا به کنفرانس تعریب - که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود و در آن نمایندگان دولت‌های عربی و مجامع و اتحادیه مجامع و دانشگاه‌ها و اتحادیه علمی عربی و کارشناسان حضور دارند - تا در مورد کاربرد ماه‌های عربی یا معرب (یعنی کانون الاثنائی، شباط و...) قطعنامه متناسب صادر نمایند.

به نظر من پیروی تمامی کشورهای عربی از روش موقتی که اتحادیه کشورهای عربی و سازمان‌های مربوطه و نیز کشور کویت برگزیده، تا زمان اتخاذ تصمیم همگانی در برآورده کردن خواسته، امری شایسته خواهد بود...

پی‌نوشت‌ها:

1. این نوشتار ترجمه‌ای است از مقاله: اسماء الأشهر فی البلاد العربیة و طریقه توحیدها که در مجله مجمع اللغة العربیة بدمشق، مجلد 70 شماره سوم (صفر 1416 ق / تموز 1995 م) به چاپ رسیده است. م
2. کارشناس و مترجم زبان عربی.
3. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیة، ص 60 و 61.
4. همان، ص 63.
5. دکتر انیس فریحه، اسماء الأشهر و العدد و الایام و تفسیر معانیها، جروس برس بطرابلس لبنان، ص 107.
6. ابوریحان بیرونی، همان، ص 61.
7. همان، ص 64.
8. عرب عاریه، دومین طبقه از عرب‌های باندۀاند که در اصطلاح نسب شناسان، فرزندان و زادگان قحطاند و اینان با عدنانیان که مستعرب انگاشته می‌شوند، رقابت می‌داشته‌اند. اما به عرب مستعربه، عدنانیان، معدیان و نیز اریان گفته می‌شود و اینها از پشت اسماعیل بن ابراهیم و زینب رعله دختر مضا بن عمرو جرهمی هستند. برای تفصیل بیشتر رک: تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، دکتر حواد علی، ترجمه دکتر محمد حسن روحانی، ج 1، ص 319 به بعد. (مترجم)
9. جمع و جمع و جمع نیز گفته می‌شود: جمع آن جمع است.
10. ابوریحان بیرونی، همان، ص 11 - 12.
11. فقیم: مصغر فقم است یعنی فک.
12. ثمامه: سبزی و چیز کم است.
13. برای تفصیل مطلب از جمله بن‌گردد به فردینال و وستنفلد و ادوارد ماہلر، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، مقدمه و تجدید نظر از دکتر حکیم الدین قریشی، ص 16 به بعد؛ دکتر رضا عبدالهی، تحقیقی در زمینه گاه شماری هجری قمری و میلادی، ص 15 به بعد. (مترجم)
14. امام فخر رازی برای نسیء دو معنای متفاوت قائل است: الف) تاخیر (که کلمه نسیه هم از همین است) ب) افزایش و نسیء را به معنای کیبسه گرفتن سال و تعویض و جابه‌جایی ماه‌های حرام چهارگانه می‌دانند و علت آن را دو چیز می‌دانند: الف) قوم عرب حساب زندگی و کارهایشان را با سال قمری تنظیم کرده بودند و لذا گاه در تابستان حج می‌گذاردند. گاه در زمستان و در ایام سفر برای آنان دشوار می‌شد و کسب و کار و تجارتشان هم مختل می‌گردید. زیرا مردم از سایر سرزمین‌ها فقط در ایام مناسب به مکه می‌رفتند. و چون پی بردند که رعایت سال قمری مصالح دنیوی شان را دچار اختلال می‌کند، لذا آن را رها کردند و سال شمسی را در پیش گرفتند... (بر گرفته از قرآن کریم با ترجمه و توضیحات استاد خرمشاهی، ص 193). (مترجم)
15. مورخین برقراری کیبسه يك ماهه را در سال‌های نخستین هجرت در قلمرو پیغمبر صلی الله علیه و آله در ابهام باقی گذاشته‌اند. اما شواهدی در دست است که عدم اجرای کیبسه را در قلمرو پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اثبات می‌نماید: الف) هیچ يك از وقایع سال‌های نخستین هجری در ماه‌های کیبسه تاریخ گذاری نشده است؛ ب) شیوه ماه شماری سال‌های نخستین هجری به خوبی نشان می‌دهد که تا چهل و نهمین ماه از هجرت علی رغم اینکه برای تثبیت ماه‌های قمری در فصول سال حداقل، کیبسه يك ماه ضروری بوده، چنین اقدامی نشده است... برگرفته از تحقیقی در زمینه گاه شماری هجری قمری و میلادی، همان، ص 30. (مترجم)

16. دکتر انیس فریحه، همان، ص 56.
17. مرحوم دهخدا در لغت نامه، ذیل فلیمس به نقل از منتهی الارب آورده: «نام مردی کنانی از ناسنان مشهور (که ماه‌های حرام را تغییر می‌داد) که نزد حمزه عقبه می‌ایستاد و می‌گفت: (اللهم انی ناسی الشهور و واضعها موضعها و لاجاب و لاجاب اللهم انی قد اخلت احد الصفرین و حرمت صفر المؤخر و كذلك فی الرحین یعنی رجب و شعبان، انقروا علی اسم الله...). (مترجم)
18. عام الفیل، همان سالی است که ابرهه حبشی قبل از اسلام به مکه هجوم برد و لشکرش به هلاکت رسید.
19. داحس و غیره، اسامی دو اسب بودند که به خاطر آنها بین دو قبیله عبس و ذبیان جنگی به مدت چهل سال در گرفت.
20. حلف الفضول، پیمانی بود بین قبائلی از فریسن که بر اساس آن طرفین منعهد می‌شدند که هر مظلومی را و لو اینکه اهل مکه نباشد، مورد حمایت قرار دهند تا به داد او رسیدگی شود.
21. نام سال‌های بین هجرت و وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله (اولین تا دهمین سال هجری) به این ترتیب نقل شده است: سنه یا عام الاذن، الامر بالقتال، المتحصن، الترفنه، الزلزال، الاستنناس، الاستغلاب، الاستواء، البرانه، الوداع، از کتاب تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله... همان، ص 23. (مترجم)
22. در مورد تاریخ وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کتاب‌شناسی آن از جمله رک: مقاله محققانه، «تاملی در تاریخ و فات پیامبر صلی الله علیه و آله» توسط جلیل تازی در مجله تاریخ اسلام ش 5، ص 3 به بعد. (مترجم)
23. ابوریحان بیرونی، همان، ص 59.
24. همان، ص 60.
25. انیس فریحه، همان، ص 35.
26. مصطفی شهابی، المصطلحات العلمیه فی اللغة العربیه فی القديم و الحدیث، ص 8 و 9.

27. Octavius Augustus ceaser.

28. ابوریحان بیرونی، همان، ص 50.

منابع:

- قرآن کریم با ترجمه و توضیحات استاد خرم‌شاهی، چاپ سوم (تهران، انتشارات نیلو فر - جامی، 1376)
- ابن الندیم، کتاب الفهرست (طبعة المكتبة التجارية الكبرى بمصر، بی تا).
- باشا، عمر موسی، مجلة اللسان العربی الصادره عن مكتب تنسيق التعریب بالر باط، العدد 20 لعام، 1984.
- البیرونی الخوارزمی، محمد بن احمد، کتاب الآثار الباقیه عن القرون الخالیه (دار صادر فی بیروت، بی تا).
- تازی، جلیل، «تأملی در تاریخ وفات پیامبر صلی الله علیه و آله»، مجله تاریخ اسلام، ش 5، بهار 1380.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه.
- الشهابی، الامیر مصطفی، المصطلحات العلمیه فی اللغة العربیه فی القديم و الحدیث، ط 2، مطبوعات المجمع العلمی العربی بدمشق، (1965).
- عبدالهیی، رضا، تحقیقی در زمینه گاه شماری هجری قمری و میلادی، چاپ دوم (تهران امیر کبیر)
- العلیی، اکرم حسن، التقویم (طبعة دار المصادر فی بیروت، 1991).
- علی، جواد، تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، ترجمه دکتر محمد حسن روحانی، (بابل، کتابسرای بابل، 1367) ج 1.
- عیوای، البطریک، زکالاول، المجلة البطریرکیه، العددان 114 و 115، السنة، 1992.
- فریحه، انیس، کتاب اسماء الاشهر و العدد و الايام و تفسیر معانیها، جروس برس، طرابلس، (لبنان، 1988).
- معجم الوسیط، وضع مجمع اللغة العربیه بالقاهرة، الطبعة الثانیه، 1972.
- معجم لاروس الفرنسی.
- وستنفلد، فردیناند و ادوارد ماهلر، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، مقدمه و تجدید نظر از دکتر حکیم الدین قریشی (تهران، 1360 ه / 1982 م).

